

## Pathology of Police and Judiciary interaction in Crime Prevention

Javad Monazami Tabar<sup>1</sup>, Reza Doustdar<sup>2</sup>, Mohammad Samieiany<sup>3</sup>,  
Mohammad Reza Rafiei Dolatabadi<sup>4</sup>, Alireza Monazami Tabar<sup>5</sup>

### Abstract

**Background and aim:** The constitution and the law on the formation of the police force have introduced the police as officers responsible for the implementation of part of the duties of the judiciary in relation to crime and its prevention. Since the quality of interaction and cooperation between two organizations is one of the first conditions and necessities of crime prevention, this research was conducted with the aim of analyzing the interaction between the police and the judiciary in crime prevention.

**Method:** This descriptive research is a survey type and its statistical population was 320 people, including all officials and expert experts and informants of the prevention police and the deputy of crime prevention of the judiciary, of which 175 people were selected using Morgan's table as the sample size. They were randomly selected according to the volume according to the method. In order to obtain formal and content validity of the questionnaire questions, the opinion of 15 experts related to the subject was used. Also, to measure the reliability of the questionnaire, the retest method was used and the correlation between the scores obtained from the test twice was calculated as 0.86.

**Results:** The implementation of the joint mission of crime prevention by the police force and the judicial system with a high level of correlation and significance is a function of the inference of both institutions from the concept of prevention. Also, the results of the statistical tests showed that the employees of the two organizations do not have a single attitude towards the concept of crime prevention, and the knowledge and attitude of crime prevention are not the same in the two organizations.

**Conclusion:** At the cognitive level and organizational culture, there are serious obstacles to the realization of the crime prevention mission, examples of which are the lack of a cooperation document and joint program between the two organizations.

**Keywords:** interaction, judiciary, police force, crime prevention, pathology.

---

1. Associate Professor, Department of Social Sciences, Amin University of Administrative Sciences. Tehran Iran. (Corresponding author). Email: javadmonazamitabar@gmail.com

2. Assistant Professor, Institute of Law Enforcement Sciences and Social Studies, Tehran, Iran. Email: Rezadoustdar@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran. Email: m\_samieiany@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of Political Science, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran. Email: rff.mohamdd11@gmiiiccom

5. Master of Social Sciences, Islamic Azad University, science and research Branch. Tehran Iran. Email: alimonazamitabar@gmail.com

## فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی

سال هفدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

صص ۲۲۶-۲۰۳

## آسیب شناسی تعامل پلیس و قوه قضائیه در پیشگیری از جرم

جواد منظمی تبار<sup>۱</sup>، رضا دوستدار<sup>۲</sup>، محمد سمیعانی<sup>۳</sup>،  
محمدرضا رفیعی دولت آبادی<sup>۴</sup>، علیرضا منظمی تبار<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

## چکیده

**زمینه و هدف:** قانون اساسی و قانون تشکیل نیروی انتظامی، پلیس را به عنوان ضابط مسئول اجرا بخشی از وظایف قوه قضائیه در قبال جرم و پیشگیری از آن معرفی کرده است. از آنجایی که کیفیت تعامل و همکاری بین دو سازمان از شروط و ضرورت‌های اولیه پیشگیری از جرم است، این تحقیق با هدف آسیب شناسی تعامل دستگاه قضایی با نیروی انتظامی در پیشگیری از جرم انجام شده است.

**روش:** این تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن ۳۲۰ نفر، شامل کلیه مسئولان و کارشناسان خبره و مطلع پلیس پیشگیری و معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه می باشد که از بین آنها با استفاده از جدول مورگان ۱۷۵ نفره عنوان حجم نمونه به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. برای حصول روایی صوری و محتوایی سوال‌ها از نظر ۱۵ نفر از خبرگان بهره گرفته و برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش باز آزمایی استفاده شد و همبستگی بین نمرات حاصل از دوبار اجرای آزمون ۰/۸۶ به دست آمد.

**یافته‌ها:** اجرای ماموریت مشترک پیشگیری از جرم توسط نیروی انتظامی و دستگاه قضایی با سطح همبستگی بالا و معناداری تابعی از استنباط هر دو نهاد از مفهوم پیشگیری است. همچنین نتایج آزمون‌های آماری نشان داد کارکنان دو دستگاه نگرش واحدی از مفهوم پیشگیری از جرم ندارند و دانش و نگرش پیشگیری از جرم در دو سازمان یکسان نیست.

**نتیجه گیری:** در سطح شناختی و فرهنگ سازمانی موانع جدی برای تحقق ماموریت پیشگیری از جرم وجود دارد که از مصادیق آن می توان به نداشتن سند همکاری و برنامه مشترک بین دو سازمان اشاره کرد.

**کلید واژه‌ها:** تعامل، قوه قضائیه، نیروی انتظامی، پیشگیری از جرم، آسیب شناسی.

استاد: منظمی تبار، جواد؛ دوستدار، رضا؛ سمیعانی، محمد؛ رفیعی دولت آبادی، محمدرضا، منظمی تبار، علیرضا؛  
(۱۴۰۱). آسیب شناسی تعامل پلیس و قوه قضائیه در پیشگیری از جرم، ۱۷ (۲)، صص ۲۲۶-۲۰۳

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

javadmonazamitar@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. رایانامه: Rezadoustdar@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: m\_samieiany@yahoo.com

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: aaf.mohamad1@gmail.com

۵. کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات. تهران، ایران. رایانامه:

alimonazamitar@gmail.com

## مقدمه

اصلی‌ترین سازمان‌های متولی پیشگیری از جرم در ایران و تقریباً در همه نظام‌های قضایی در جهان، پلیس و دستگاه قضایی هستند. نگاهی به وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های زیرمجموعه این دو نهاد (نظیر دادسراها، پزشکی قانونی، سازمان زندان‌ها، پلیس آگاهی، کلاتری‌ها و پلیس پیشگیری) اهمیت هماهنگی و تعامل بین این نهادها برای پیشگیری از جرم را کاملاً مشخص می‌کند. بدیهی است تعدد نهادهای اقدام‌کننده در زمینه پیشگیری از جرم و هماهنگی آن‌ها با یکدیگر، نیازمند تعامل آن‌ها با هم در چهارچوب قانون می‌باشد که در صورت فقدان تعامل مطلوب میان این نهادها، ممکن است پیامدهای نامطلوبی در فرایند پیشگیری به وجود بیاید و هر کدام از آن‌ها به‌عنوان مانعی برای دیگری در جهت اجرای دقیق و سریع پیشگیری باشند. در تصدیق این نکته می‌توان گفت که در کشوری همانند انگلستان، با سابقه استفاده از اسکاتلندیارد به‌عنوان یک نهاد تخصصی در جرم‌یابی، ۲۵ درصد از جرائم هرگز کشف نمی‌شوند که یکی از دلایل اصلی این ناکامی، اختلاف‌نظرها و ناهماهنگی بین پلیس و مقامات قضایی در انجام تحقیقات مقدماتی و عدم همپوشانی اطلاعات بین این دو نهاد است (کربی رودز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸، ۵۶).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بند پنجم از اصل یکصد و پنجاه و ششم، قوه قضائیه را مأمور به انجام اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین کرده و عملاً قانون‌گذار مسئولیت پیشگیری از جرم را به عهده قوه قضائیه گذاشته است (قانون اساسی، اصل ۱۵۶). همچنین در قانون، نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط دستگاہ قضایی معرفی شده و در انجام وظایف ضابطیت به پیشگیری از جرم تأکید شده است (قانون نیروی انتظامی، ۱۳۶۹). به عبارت ساده‌تر، قوه قضائیه و نیروی انتظامی صرف‌نظر از نوع ارتباط سازمانی که قانون‌گذار برای آن‌ها تنظیم و ابلاغ نموده به‌صورت تضامنی مسئولیت پیشگیری از جرم را به عهده دارند. از طرف دیگر، هرچند نقش ضابطیت پلیس با قوه قضائیه یکی از ارکان قانونی همکاری و تعامل این دو دستگاه است اما به-

نظر می‌رسد هر دو مجموعه در اجرای تمامی مسئولیت‌های خود ناگزیر از همکاری می‌باشند، زیرا واقعیت آمار و اسناد نشان‌دهنده این امر است که نسبت بروز جرم به جمعیت طبیعی نبوده و نظام قضایی و سیاست‌های جنایی کشور - به هر دلیل - در موضوع کنترل و پیشگیری از جرم چندان موفق نبوده‌اند. برای اثبات این ادعا کافی است نگاهی گذرا به سیمای روند بروز و وقوع جرم در کشور داشته باشیم (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۱۴). برابر بررسی‌هایی که در پلیس کشورهای مختلف جهان صورت گرفته، ضعف تعامل پلیس و دستگاه قضایی یکی از علل اصلی از بین رفتن دلایل و مدارک در صحنه جرم و به نتیجه نرسیدن پرونده‌ها است و رؤسای سازمان‌های پلیسی، در پاسخ به این که چرا نتوانسته‌اند تعامل مفید و سازنده‌ای با مقامات قضایی برقرار کنند اعلام داشته‌اند که اولاً مأموران تحت امر آن‌ها در بسیاری از موارد، مهارت‌های لازم برای تعامل سازمانی را آموزش ندیده‌اند و ثانیاً فقدان الگویی برای ایجاد این تعامل باعث شده که برقراری تعامل یک امر شخصی و سلیقه‌ای محسوب شود و در عمل هیچ‌گونه قاعده و حتی رویه عرفی برای این موضوع وجود نداشته باشد (استیون دیتز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷، ۸۳). برای پی بردن به اهمیت و ضرورت این تحقیق کافی است توجه اندکی به اتفاقات سال‌های اخیر در این حوزه داشته باشیم: فرماندهان فراجا در ادوار مختلف و همچنین رؤسای قوه قضائیه و بسیاری از مقامات قضایی به‌خصوص بازپرسان، تأکید زیادی بر این تعامل داشته‌اند تا جایی که تاکنون بالغ بر ۴۰ عنوان همایش و میزگرد برای بررسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در حوزه‌های مختلف برگزار شده است (عبدی‌نژاد، ۱۳۹۸، ۲۶).

تأکید نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی جرم همچون نظریه برچسب‌زنی<sup>۲</sup> و نظریه ساختارگرایی بر ویژگی مسری بودن جرم حاکی از آن است که اولاً جرائم از یک سطح به سطوح دیگر یا از یک گروه اجتماعی به دیگر گروه‌ها سرایت می‌کنند (شیخ‌وندی، ۱۳۸۶، ۵۹). ثانیاً صرف مبارزه با مجرمین فقط باعث برچسب مجرمانه

---

1. Steven Dietz  
2. Labeling

خوردن به تعداد زیادی از افراد جامعه و ترویج برچسب مجرمانه شده است (کوشمان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲، ۲۲) و درنهایت، اگر بروز رفتار در یک جامعه فراوانی داشته باشد و تکرار شود، به تدریج از قبح آن کاسته و در یک دوره زمانی نه چندان طولانی هم جامعه قادر به مبارزه با آن نیست و هم آن فعل مجرمانه به رفتاری عادی تبدیل می شود (دیویس<sup>۲</sup>، ۱۳۹۵، ۶۲). پدیده‌ای که امروزه مصداق عینی آن در افعال مجرمانه‌ای چون استفاده از تجهیزات دریافت امواج ماهواره، رعایت نکردن حجاب شرعی، خرید و فروش کالای قاچاق و... می توان مشاهده کرد.

مساعده بودن بسترهای جرم خیز و فراوانی نسبی جرم و تخلف در کشور مؤید این مسئله است که حتی اگر بپذیریم دستگاه قضایی و پلیس مبتنی بر شاخص‌های کشف و مجازات مجرمین عملکرد قابل قبولی داشته‌اند ولی بدون شک، نرخ وقوع تکرار جرم و تخلف در موضوعات مختلف بر کم توجهی یا ناکارآمدی اقدامات پیشگیرانه از جرم صحه می‌گذارد. مسئله پیشگیری از جرم در جامعه یکی از حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین مسائلی است که بایستی در اولویت نخست متولیان و مدیریت کلان جامعه قرار گیرد؛ اما این موضوع به‌طور مستقیم مسئله این پژوهش نیست. مسئله اصلی پژوهش ما آسیب‌شناسی تعامل بین نیروی انتظامی و قوه قضائیه در اجرای مأموریت پیشگیری از جرم می‌باشد. اکنون سؤال اصلی این است که آیا مشکل یا اختلالی در حوزه‌های تعاملی بین قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد که مانع از اجرای مطلوب و مؤثر مأموریت پیشگیری از جرم می‌شود؟ مسئله اصلی تحقیق پاسخ به این پرسش اساسی است: مشکلات فراوری این دو سازمان چیست که مانع از برقراری تعامل مطلوب بین آن‌ها شده است؟ به عبارت ساده‌تر محقق به دنبال آسیب‌شناسی (کشف ریشه اختلال) در تعامل بین قوه قضائیه و نیروی انتظامی است.

---

1. Kushman

2. Davis

## پیشینه و مبانی نظری

در زمینه موضوع تعامل نامناسب بین نیروی انتظامی و دستگاه قضایی تحقیقات چندانی صورت نگرفته است اما درباره عوامل مؤثر بر ناکامی تحقق مأموریت‌های پیشگیری از جرم سازمان پلیس و قوه قضائیه تحقیقات فراوانی صورت گرفته که در هر یک از این تحقیقات به یکی از ابعاد موضوع توجه شده است:

آقایی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «برساخت اجتماعی رفتار مطلوب کارکنان نیروی انتظامی از نگاه دانشجویان» نشان دادند که ساخت اجتماعی واقعیت رفتار مطلوب نیروی انتظامی دارای بیست‌وهشت عنصر گوش شنوا، ادبیات مناسب، بله گفتن، سلام کردن، استفاده از زبان مادری، شعر خواندن، تأیید کلامی سخن، شما خطاب کردن، جدی بودن، چشم گفتن، هم‌صحبتی با کودکان، احترام، تأیید با حرکت سر، نگاه رو به پایین، همدلی، سکوت، آراستگی، تمرکز، چهره گشاده، حفظ فاصله، لحن ملایم، حمایت از مظلوم، آهسته سخن گفتن، حمایت از زنان، اشتیاق، لبخند زدن، استواری و تسلط بر خویشان است. بررسی عنصرهای پدیدار شده حاکی از وجود دو دسته عنصرهای کلامی و عنصرهای غیر کلامی در ساخت اجتماعی واقعیت رفتار مطلوب نیروی انتظامی است. نتایج حاکی از آن است که بدون در نظر گرفتن موقعیت بروز رفتار، تصویری به‌شدت منسجم و یکپارچه از رفتار مطلوب مأموران نیروی انتظامی در ذهن افراد وجود دارد.

اصانلو و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تعامل برون‌سازمانی رؤسای کلانتری‌ها بر ارتقای امنیت عمومی تفرجگاه‌های شهری کرمانشاه» اثبات کردند که تعامل برون‌سازمانی رؤسای کلانتری‌ها بر ارتقای امنیت عمومی تفرجگاه‌های شهرستان کرمانشاه مؤثر است و بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند در ناکارآمدی عملکرد پلیس و افزایش میزان جرم و ناامنی با وجود افزایش توانمندی‌های انسانی و فنی مؤثر باشد. براساس نتایج به‌دست آمده، متغیر تعامل با دادسرای عمومی و انقلاب، سهم بیشتری نسبت به سایر متغیرها در ارتقای امنیت تفرجگاه‌های شهر کرمانشاه دارد و در درجه

بعدی تعامل با شهرداری و اداره میراث فرهنگی و گردشگری به ترتیب بر ارتقای امنیت تفرجگاه‌های این شهرستان تأثیر دارند.

شیری (۱۳۸۷) تحقیقی را با عنوان «نقد و بررسی لایحه پیشگیری از جرم» انجام داده است. در این پژوهش ضمن بررسی و نقد اصل لایحه تقدیمی دولت به مجلس شورای اسلامی و همچنین بررسی تغییرات صورت گرفته بین لایحه تقدیمی و لایحه مصوب مجلس پرداخته شده است. مهم‌ترین نقطه ضعف طرح از دیدگاه محقق، تکثر سازمان‌های پیش‌بینی شده در لایحه و ضعف مکانیسم ایجاد هماهنگی و تعامل بین دستگاه‌های یادشده در این لایحه است و محقق بر این باور است که این لایحه به واسطه نبود تعامل میان این سازمان‌ها، قابلیت زیادی در حوزه عمل و نیل به اهداف تعیین شده ندارد.

نیازپور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم» پیشگیری از جرائم را از راهبردهای اصلی سیاست جنایی کشور می‌داند که برای مهار پدیده مجرمانه همواره مورد توجه است. اهمیت این راهبرد آن‌چنان است که پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراتقنینی (قانون اساسی) پیش‌بینی و به‌عنوان حقوق اساسی مردم و تکلیف حاکمیت به رسمیت شناخته شده است. در واقع، از رهگذر توجه و تأکید شماری از اصول قانون اساسی، به پیشگیری از جرم، جنبه اساسی فراتقنینی داده، تا اقدام در چهارچوب سیاست‌های پیشگیرانه پیش‌بینی شده، بر عهده همه نهادها قرار گیرد. در نتیجه‌گیری، عدم انسجام و تعامل مناسب بین نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مربوط را عامل ناکارآمدی و عدم حصول نتیجه راهبردهای پیشگیری از جرم می‌داند. وی در نهایت، دستگاه قضایی را که اصلی‌ترین مخاطب مؤسسان قانون اساسی در زمینه پیشگیری از جرم است را مکلف می‌داند، به شکل دانش‌بنیان به بهره‌گیری از ظرفیت‌های پیشگیرانه نهادهایی مانند سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، قانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار و انجمن حمایت از زندانیان مبادرت ورزد. یا این که دست کم در راستای پیشگیری از جرم‌های درون‌سازمانی مانند ارتشا، اختلاس، شکنجه و اذیت و آزار متهم، مظنون و محکوم اقدام کند.

علی‌وردی نیا (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت پیشگیری از جرم» تأکید کرده در ایران، همچنان فقدان سیاست‌گذاری جامع در این عرصه بیش‌ازپیش احساس می‌شود. نگارنده فقدان سیاست‌گذاری جامع در امر پیشگیری از جرم را عامل اصلی ناکارآمدی مدیریت آسیب‌های اجتماعی و جرم معرفی می‌کند و نتیجه گرفته است در جوامع غیردینی لزوماً قوانین موضوعه مبتنی بر ارزش‌های مذهبی نیستند و لذا ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی - از جمله قوانین - و بازیگران نقش‌ها به ارزش‌های مذهبی ارتباطی پیدا نمی‌کند. ولی در ایران، چون قوانین مبتنی بر ارزش‌های مذهبی‌اند و این دو از هم تفکیک نشده‌اند، ناکارآمدی قوانین، یک مسئله ارزشی می‌شود. وی پیشنهاد کرده برای غلبه بر این مشکل، محققان باید بتوانند با بومی‌سازی دلالت‌های سیاستی نظریه‌های تبیین رفتارهای انحرافی، زمینه را برای مدیریت علمی پیشگیری از جرائم فراهم سازند.

سهرابی اسمروود و قربانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «پیشگیری امنیتی گرا از وقوع جرم چالش‌ها و راهکارها» اظهار کرده‌اند بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، پیشگیری از وقوع جرم را از جمله وظایف قوه قضائیه محسوب نموده است. به‌رغم پیش‌بینی این اصل مهم در قانون اساسی و با وجود تصویب سایر قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها در خصوص پیشگیری از وقوع جرم، در عمل مشاهده می‌شود که با گذشت سی و دو سال از تصویب این اصل، مفهوم دقیق پیشگیری، مبانی نظری حاکم بر آن و سازوکارهای اجرایی و مدیریتی آن مشخص نیست و پیشگیری در کشور ما متولی خاص ندارد. این مقاله با هدف آسیب‌شناسی مقررات موجود در زمینه پیشگیری از بزهکاری تهیه شده و راهکارهایی را جهت برون‌رفت از این معضلات ارائه داده است.

حبیب‌زاده و عبدالرحمانی (۱۳۹۴) در طرح تحقیقاتی با عنوان «ارائه مدل تعاملی کارآمد نقش سازمان‌های غیرامنیتی در ایجاد بستر امنیتی در شهرهای ساحلی با تمرکز بر شهرستان بندرعباس» تلاش کرده‌اند با ارائه یک مدل تعاملی کارآمد به تبیین نقش سازمان‌های غیرامنیتی در ایجاد بسترهای امنیتی در شهرهای ساحلی با تمرکز بر شهرستان بندرعباس پردازند. در این بررسی و مدل ارائه‌شده نیز ضرورت و سهولت و نقش تعاملی نهادهای غیرامنیتی که اتفاقاً به‌نوعی غیردولتی نیز محسوب می‌شوند، در



تولید امنیت بسیار برجسته نشان داده شده و بر وجود تعامل میان پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید شده است.

اخشابی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تعامل پلیس با مشارکت‌های مردمی در پیشگیری از جرم» میزان و نحوه مشارکت متقابل نهادهای مدنی و مردم با دستگاه‌های عدالت کیفری را تابعی از ارتباط تنگاتنگی بین فرهنگ جامعه و نظام سیاسی حاکم بر جامعه می‌داند. وی پلیس را به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی مسئول در دستگاه عدالت کیفری از این قاعده مستثنی ندانسته و تأکید می‌کند جست‌وجو در مفهوم مشارکت و مقایسه آن با آنچه در عمل از سوی پلیس محقق می‌شود، بیانگر عدم شکل‌گیری و بسترسازی مناسب برای پرداختن به امر مشارکت واقعی در برنامه‌های پلیس است. وی چالش اصلی در پیشگیری از جرم را کم‌توجهی به راهبردهای توسعه مشارکت در ساختار و سازمان می‌داند.

نعمتی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «پیشگیری از جرم کارآمد یا ناکارآمد» در وبلاگ قاسم قدیانلو تأکید کرده است: ازجمله آسیب‌های اساسی که حیات قضائی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داده این است که در راستای اهداف قوه قضائیه، تعامل لازم بین قوه قضائیه و قوه مجریه وجود ندارد. درواقع، اوضاع بدین منوال است که ارگان‌های اجرایی و قوای قضائیه برای خود رسالتی مستقل و مجزا ترسیم می‌نمایند.

پژوهش عبدالرحمانی و کشتکار (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی تأثیر تعامل برون‌سازمانی رؤسای کلانتری در پیشگیری از جرائم در شهر کرمانشاه» اثبات کرد که درنهایت، سازمان‌های غیردولتی در مقایسه با سازمان‌های دولتی تمایل بیشتری به برقراری تعامل با پلیس دارند. برهان خلف این تحقیق بدان معنا است که تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی که هر دو دولتی محسوب می‌شوند، احتمالاً دارای تصلب‌هایی است که تمایل آن‌ها به تعامل را محدود می‌سازد.

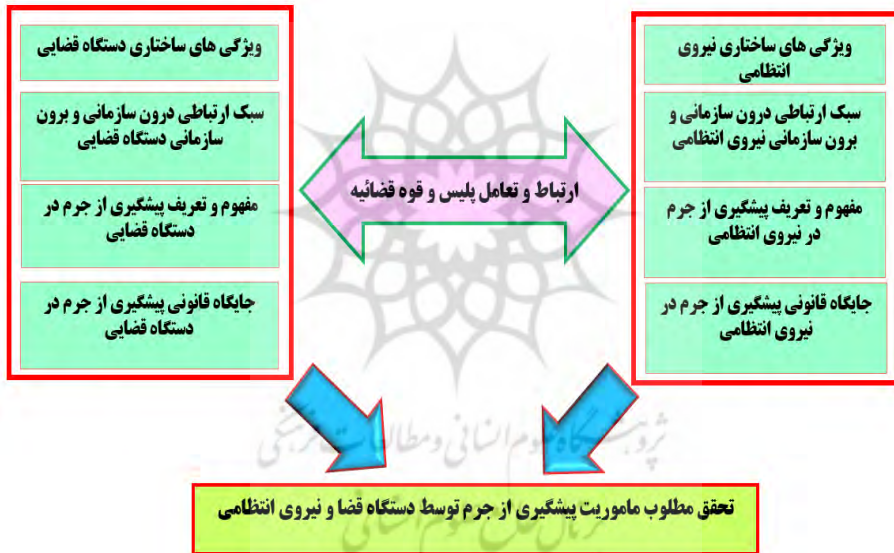
پژوهش دعاگویان و همکاران (۱۳۹۷)، که با عنوان «آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرایند جرم‌یابی» ارائه شده بود، به وجود چالش‌هایی از جمله در بُعد

قوانین و مقررات پرداخته و نشان داده که قوانین و مقررات بر تعامل بین دستگاه قضایی و پلیس تأثیر منفی داشته است.

چنانکه بررسی پیشینه نشان می‌دهد، در زمینه عوامل مؤثر بر ناکامی تحقق مأموریت‌های پیشگیری از جرائم سازمان پلیس، قوه قضائیه و سایر سازمان‌های مرتبط تحقیقات فراوانی صورت گرفته که در هر یک از این تحقیقات به بخشی از ابعاد موضوع پیشگیری نظیر جنبه‌های حقوقی پیشگیری از جرم، نقش سازمان‌های غیردولتی، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از جرم، مدیریت پیشگیری از جرم، تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم توجه شده است اما هیچ کدام از این تحقیقات به آسیب‌شناسی تعامل میان پلیس و قوه قضائیه به صورت مستقیم وارد نشده‌اند؛ لذا مسئله اصلی تحقیق حاضر پاسخ به این پرسش است که چه عواملی مانع از برقراری تعامل مطلوب بین سازمان پلیس و قوه قضائیه شده است؟

در نظریه تعامل نمادین چنان که بلومر<sup>۱</sup> بیان می‌کند اختلال در تعامل نمادین بین اعضای حقیقی یا حقوقی گروه و سازمان منجر به تفاوت در استنباط و درک یک مفهوم یا یک انگاره می‌شود. این تفاوت در استنباط منجر به تکثر، تفاوت و یا حتی تضاد در نگرش‌ها خواهد شد. در مرحله بعد، ناهماهنگی در منافع و اهداف و بالاخره ناهماهنگی در برنامه‌ریزی و ناهماهنگی در اجرا و نتیجه را به دنبال خواهد داشت (چلبی و مبارکی، ۱۳۹۴، ۸۴). همچنین نظریه ناهماهنگی شناختی توصیف می‌کند که ناهماهنگی در شناخت چگونه به ناهماهنگی در تشخیص و ناهماهنگی در منافع منجر می‌شود و این ناهماهنگی‌ها تفاوت و تضاد در تشخیص و در نهایت، برنامه‌ریزی و اقدام را به دنبال خواهد داشت (زینالی، ۱۳۸۱، ۶۹). و چنانچه این مهم یعنی ناهماهنگی در شناخت مأموریت واحد بین فراجا و دستگاه قضایی وجود داشته باشد، در نهایت منجر به مطابق با انتظار نبودن نتایج اجرای این مأموریت توسط دو دستگاه مسئول شده و این مهم می‌تواند از جمله عوامل بروز اختلال در موفقیت مأموریت پیشگیری از جرم باشد.

از دیدگاه نظریه نقض انتظارات، تفاوت در انتظارات مدیران و کارکنان دو دستگاه به ویژه در خصوص ماهیت و سطح پیشگیری از جرم از جمله مواردی است که به بروز سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متفاوت برای نیل به انتظارات متفاوت یا متناقض می‌شود (وست و ترنر<sup>۱</sup>، ۱۳۹۳، ۶۵) به نظر می‌رسد این وضعیت در حال حاضر تا حدودی دامن گیر دستگاه قضایی و نیروی انتظامی در انتظاری که از مسئولیت خویش در قبال این مأموریت مشترک دارند شده و باعث بروز اختلال شده است. همچنین این نظریه بیان‌کننده این قضیه است که گستره تعامل بین فردی و گروهی منجر به تجربه بیشتر عدم اطمینان می‌شود. در این تحقیق ترکیبی از نظریه‌های تعامل نمادین، ناهماهنگی شناختی، نقض انتظارات و فرهنگ سازمانی به عنوان چهارچوب نظری استفاده شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش

این تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی است که با هدف کاربرد نتایج آن در تعاملات و همکاری فی مابین نیروی انتظامی و دستگاه قضایی در مأموریت‌های پیشگیری از جرائم

مورد نظر انجام می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران، کارشناسان و کارکنان معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه و فرماندهان، مدیران و کارشناسان پلیس پیشگیری نیروی انتظامی می‌شود که بر اساس برآوردها و اطلاعات اخذ شده از کارگزینی این دو مجموعه، کارکنان حوزه ستادی حدود ۳۲۰ نفر است؛ از بین آن‌ها با استفاده از جدول مورگان<sup>۱</sup>، ۱۷۵ نفر به عنوان حجم نمونه به روش تصادفی طبقه‌ای از نوع متناسب انتخاب شدند که به جهت جلوگیری از تورش / سوگیری احتمالی در نمونه و افزایش دقت تحقیق، تعداد ۲۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد. لیکن از این تعداد، ۱۹۰ پرسش‌نامه قابل استفاده بازگردانده شد. همچنین با توجه به سطح سنجش فاصله‌ای متغیرها، برای تحلیل رابطه میان متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود اما برای بررسی این که آیا میانگین متغیرهای محاسبه شده در نمونه با میانگین جامعه برابری دارد یا نه، و اینکه نتایج به دست آمده از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. قابل ذکر است که یکی از ویژگی‌های آزمون‌های t این است که وقتی تعداد نمونه‌ها به بیشتر از ۳۰ افزایش پیدا می‌کند، احتمالات آن دقیقاً با احتمالات توزیع نرمال منطبق می‌شود؛ بنابراین برای آزمون‌هایی با هر تعداد نمونه، می‌توان از آزمون t استفاده کرد.

برای بررسی روایی پرسش‌نامه از پانزده متخصص صاحب نظر در موضوع خواسته شد تا سؤال‌های پرسش‌نامه را بخوانند و میزان مطابقت هر سؤال را با هدفی که از آن استخراج شده است، تعیین کنند. بدین ترتیب سؤالاتی که درباره روایی محتوایی آن‌ها تردید وجود داشت، مورد تجدیدنظر قرار گرفته و سؤالاتی که بر سر آن‌ها توافق وجود داشت انتخاب شدند و در نهایت، اجماع میان آن‌ها مشخص کننده روایی محتوایی پرسش‌نامه تحقیق گردید. همچنین برای پایایی پرسش‌نامه از روش باز آزمایی استفاده شد؛ بدین صورت که پرسش‌نامه در دو نوبت بر روی بیست تن از کارکنان فراجا و قوه

قضائیه اجرا شد. همبستگی بین نمرات حاصل از دو بار اجرای آزمون ۰/۸۶ محاسبه گردید.

### یافته‌ها

نمونه کارکنان مورد مطالعه ۱۹۰ نفر (متشکل از ۱۶۹ نفر مرد و ۲۱ نفر زن) با میانگین سنی ۳۴ سال بودند که ۱۸ درصد دارای فوق‌دیپلم، ۴۹ درصد لیسانس و ۳۳ درصد فوق لیسانس بودند. از لحاظ سنوات خدمتی، ۵ درصد جمعیت مورد مطالعه دارای سنوات خدمتی کمتر از پنج سال، ۱۲ درصد دارای سنوات ۵ الی ۱۰ سال بودند و ۸۳ درصد مابقی دارای سنوات خدمت بیش از ده سال خدمت بودند. این درصدها به خوبی نشان می‌دهند که کارکنان هر دو نهاد، افرادی باتجربه می‌باشند؛ به گونه‌ای که ۶۰ درصد کارکنان دارای سنوات بیش از پانزده سال خدمت هستند.

چنان‌که در مدل مفهومی تحقیق مشاهده می‌شود، ما چهار متغیر مستقل داریم که در دو سازمان نیروی انتظامی و قوه قضائیه به شرح زیر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

**تعامل و ساختار سازمانی:** با توجه به میزان همبستگی محاسبه‌شده در نمونه مورد مطالعه (۰/۵۶) به نظر می‌رسد در کل جامعه آماری بین ساختار هر دو سازمان (نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) و تعامل میان آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول ۱. جدول تعامل برحسب ساختار سازمانی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	حد بالا	حد پایین	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ساختار سازمانی	۶۷/۵۴	۱۰/۲۹	۱۷/۰۵	۶۵/۸۳	۹/۲۵	۱۸۹	۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر حاصل از جدول یک، سطح معناداری (سطح معناداری = ۰/۰۰۰) و آماره  $(T=17/05)$  به دست آمده از آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، ثابت شد که بین ساختار سازمانی این دو دستگاه (نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) به عنوان متغیر مستقل با متغیر وابسته یعنی تعامل میان این دو دستگاه رابطه وجود دارد. همان‌طور

که نتیجه آزمون T نشان می‌دهد، متغیر وابسته یادشده (تعامل میان نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) با سطح همبستگی زیادی تابعی از متغیر مستقل مورد اشاره (ساختار سازمانی) این دو دستگاه است؛ به عبارت ساده‌تر، میانگین متغیرهای محاسبه‌شده در نمونه با میانگین جامعه آماری برابری دارد، و این که نتایج به دست آمده از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد و ارتباط این دو متغیر با ضریب اطمینان ۹۹ درصد در جامعه آماری قابل اثبات است.

**تعامل و سبک ارتباطی:** با توجه به میزان همبستگی محاسبه‌شده در نمونه مورد مطالعه (۶۶٪) به نظر می‌رسد در کل جامعه آماری بین سبک ارتباطی هر دو سازمان (نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) و تعامل میان آن‌ها رابطه وجود دارد. آنچه در جدول (۲) آمده است این که تفاوت در سبک ارتباطی دستگاه قضایی و نیروی انتظامی به عنوان یک متغیر مهم می‌تواند اجرای مأموریت پیشگیری از جرم را تا حد قابل توجهی متأثر نماید. چنانکه مقادیر حاصله از جدول دو، در سطح معناداری (سطح معناداری = ۰/۰۰۰) و آماره ( $T=19/30$ ) به دست آمده از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، ثابت شد میانگین متغیرهای محاسبه‌شده در نمونه با میانگین جامعه آماری برابری دارد، و اینکه نتایج به دست آمده از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد و ارتباط این دو متغیر با ضریب اطمینان ۹۹ درصد در جامعه آماری قابل اثبات است.

جدول ۲. جدول تعامل بر حسب سبک ارتباطی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار $t$	حد بالا	حد پایین	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
سبک ارتباطی	۶۷/۶۵	۹/۱۵	۱۹/۳۰	۶۶/۱۳	۸/۹۱	۱۸۹	۰/۰۰۰

همان‌طور که نتیجه آزمون همبستگی نشان می‌دهد، متغیر وابسته یادشده (تعامل بین نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) با سطح همبستگی زیادی تابعی از متغیر مستقل مورد اشاره (سبک ارتباطی) این دو دستگاه است. به عبارت ساده‌تر ارتباط این دو متغیر با

ضریب اطمینان ۹۹ درصد اثبات گردیده و از طرفی نتایج آزمون آماری اثبات می‌کند این فرضیه کاملاً با نظریه‌های سبک‌های ارتباطی که آبخخور بیان این فرضیه بوده انطباق و همخوانی دارد؛ زیرا نظریه‌های سبک‌های ارتباطی نیز بر این باورند که انسان سازمانی و سازمان‌های انسانی ناگزیر از زندگی در فضایی ارتباطاتی هستند. این فضای ارتباطی - خواه ناخواه - تأثیر عمیق و شگرف خود را بر کمیّت و کیفیت زندگی انسان‌ها به‌ویژه در عرصه زندگی اجتماعی بر جای می‌گذارد (مسگرانی، ۱۳۹۷، ۵۹). بر همین اساس به نظر می‌رسد کارکنان قوه قضائیه و فراجا راغب هستند بر اساس معناهایی که به قوانین، آدم‌ها، اشیاء و اتفاقات تخصیص می‌دهند، رفتار کنند. علاوه بر این، معنا در زبانی خلق می‌شود که اعضای سازمان با هم و با دیگران و هم در تفکرات شخصی به کار می‌برند؛ زیرا معانی همراه ذاتی هیچ چیز نیستند. زبان به کارکنان سازمان اجازه می‌دهد تا درکی از خویشتن به‌دست آورده و در اجتماع با سایرین تعامل کنند.

**استنباط از مفهوم و اجرای مأموریت پیشگیری از جرم:** با توجه به میزان همبستگی محاسبه‌شده در نمونه مورد مطالعه (۷۱٪) به نظر می‌رسد در کل جامعه آماری بین استنباط از مفهوم پیشگیری از جرم و تعامل میان سازمان‌ها رابطه وجود دارد. با توجه به مقادیر حاصله از جدول (۳)، سطح معناداری (سطح معناداری = ۰/۰۰۰) و آماره (T=۶/۴۲) به‌دست آمده از آزمون T تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، ثابت شد میانگین متغیرهای محاسبه‌شده در نمونه با میانگین جامعه آماری برابری دارد، و اینکه نتایج به‌دست آمده از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد و ارتباط این دو متغیر با ضریب اطمینان ۹۹ درصد در جامعه آماری قابل اثبات است.

جدول ۳. جدول تعامل بر حسب استنباط از مفهوم پیشگیری از جرم

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	حد بالا	حد پایین	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
استنباط از مفهوم پیشگیری از جرم	۵۸/۸۳	۱۳/۷۵	۶/۴۲	۵۶/۵۵	۷/۵۶	۱۸۹	۰/۰۰۰

همان‌طور که نتیجه آزمون T نشان می‌دهد متغیر وابسته یادشده (تعامل بین نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) با سطح همبستگی زیادی تابعی از متغیر مستقل مورد اشاره (استنباط از مفهوم پیشگیری از جرم در این دو دستگاه) است. به عبارت ساده‌تر، ارتباط این دو متغیر با ضریب اطمینان ۹۹ درصد اثبات شده است و از طرفی نتایج آزمون آماری اثبات می‌کند کارکنان دو دستگاه نگرش واحدی از مفهوم پیشگیری از جرم ندارند و دانش و نگرش پیشگیری از جرم در دو دستگاه نهادینه نشده است.

فعالیت اصلی سازمان‌ها فرایند شفاف ساختن و فهمیدن معنای اطلاعات دوپهلوی و مبهم است (وول کک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). افراد سازمانی این فرایند واضح ساختن و درک کردن را از طریق تصویب مقررات، گزینش، و ثبت و ضبط اطلاعات انجام می‌دهند. سازمان‌ها به میزانی که قادر به کاهش دوپهلویی و ابهام از این راه‌ها باشند، موفق هستند. با فرض این که انسان‌ها در فضایی از ارتباطات زندگی می‌کنند (محوریت ارتباطات در زندگی انسان‌ها) و خلق واقعیت اجتماعی به‌طور مشترک توسط آدم‌ها، و همچنین وابسته بودن تعامل اطلاعات به معانی فردی و بین فردی، این نظریه بیان می‌کند که مردم در مکالمات با رسیدن به میزانی از انسجام و هماهنگی (مدیریت مفاهیم) معانی را با همدیگر خلق می‌کنند (بلومبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷، ۵۰۴). چنین مدیریت مفاهیمی در هر دو سازمان مشاهده نمی‌شود و هر یک از آن‌ها قوه قضائیه و نیروی انتظامی فضای ارتباطی و مفاهیم خاص خود را دارند.

**جایگاه قانونی مأموریت پیشگیری از جرم و تعامل بین نیروی انتظامی و دستگاه قضایی:** با توجه به میزان همبستگی محاسبه‌شده در نمونه مورد مطالعه (۷۳٪) به‌نظر می‌رسد در کل جامعه آماری بین جایگاه قانونی مأموریت پیشگیری از جرم و تعامل میان سازمان‌ها رابطه وجود دارد. چنان‌که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، تفاوت در انتظارات مدیران و کارکنان دو دستگاه به‌ویژه در خصوص ماهیت و سطح پیشگیری از جرم از جمله مواردی است که به بروز سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متفاوت برای نیل به

1. Woolcock
2. Bloomberg



انتظارات متفاوت یا متناقض می شود به نظر می رسد این وضعیت در حال حاضر تا حدودی دامن گیر دستگاه قضایی و نیروی انتظامی در انتظاری شده است که از مسئولیت خویش در قبال پیشگیری از جرم دارند.

جدول ۴. جدول تعامل بر حسب جایگاه قانونی مأموریت پیشگیری از جرم

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	حد بالا	حد پایین	درجه آزادی	سطح معنی داری
جایگاه قانونی مأموریت پیشگیری از جرم	۶۱/۶۴	۱۰/۰۵	۱۱/۵۷	۵۹/۹۷	۸/۲۷	۱۸۹	۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر حاصل از جدول چهار (سطح معناداری سطح معناداری = ۰/۰۰۰) و آماره  $(T=11/57)$  به دست آمده از آزمون t تک نمونه ای نشان می دهد که با اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می گیرد. به عبارت دیگر، ثابت شد میانگین متغیرهای محاسبه شده در نمونه با میانگین جامعه آماری برابری دارد، و اینکه نتایج به دست آمده از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد و ارتباط این دو متغیر با ضریب اطمینان ۹۹ درصد در جامعه آماری قابل اثبات است.

به عبارت ساده تر با توجه به میزان همبستگی محاسبه شده میان متغیر وابسته (تعامل بین نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) با متغیر مستقل (جایگاه قانونی مأموریت پیشگیری از جرم) رابطه وجود دارد. همان طور که نتیجه آزمون T نشان می دهد متغیر وابسته یادشده (تعامل بین نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) با سطح همبستگی زیادی تابعی از متغیر مستقل مورد اشاره (جایگاه قانونی مأموریت پیشگیری از جرم) این دو دستگاه است. به عبارت ساده تر، ارتباط این دو متغیر با ضریب اطمینان ۹۹ درصد اثبات گردیده و از طرفی نتایج آزمون آماری اثبات می کند اهمیت و جایگاه پیشگیری از جرم در قانون به درستی تبیین نشده است و انتظارات قانون گذار از این مأموریت صریح و شفاف نیست. از طرف دیگر، از آنجا که همواره فرایند قانون گذاری با مشکلات و تنگناهایی روبرو است که امکان مرتفع نمودن آن ها به دلایل مختلف از جمله محدود بودن فرصت های زمانی مقدور نیست، در نتیجه قوانین وضع شده معمولاً خالی از اشکال نبوده

و به همین دلیل در طول زمان به اصلاح و بازنگری نیاز خواهند داشت. هرگاه در تدوین و تصویب قوانین در هر جایی به مسائلی همچون عدم تمایل به آینده‌نگری و گرایش به نتایج زودرس، جزئی‌نگری و یک‌بعدی بودن در تصمیم‌گیری، نبود اطلاعات دقیق و به‌روز از وضعیت موردنظر، گرایش به ساده‌انگاری و به‌دنبال راه‌حل‌های ساده رفتن، اعمال نظرات شخصی در تصمیم‌گیری‌ها و اتکای بیش‌ازحد به تجربیات و تمایلات درونی و فردی، عدم تمایل به اجرای آزمایشی قانون، انعطاف‌ناپذیر بودن قانون و وضع ظاهری و صوری قوانین همراه با عدم آموزش و توجیه مردم نسبت به قوانین وضع‌شده توجه لازم و کافی نشود، چنین قوانینی از حمایت و پشتیبانی اجتماعی مناسب برخوردار نبوده و در حقیقت ریشه اصلی نقض و بی‌حرمتی به قانون در دل خود قانون نهفته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

چنان‌که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: اجرای مأموریت مشترک پیشگیری از جرم توسط نیروی انتظامی و دستگاه قضایی با سطح همبستگی زیادی تابعی از متغیر استنباط از مفهوم پیشگیری از جرم در این دو دستگاه است. به عبارت ساده‌تر، ارتباط این دو متغیر با ضریب اطمینان ۹۹ درصد اثبات شد، همچنین نتایج سایر آزمون‌های آماری اثبات می‌کند کارکنان دو دستگاه نگرش واحدی از مفهوم پیشگیری از جرم ندارند و دانش و نگرش پیشگیری از جرم در دو دستگاه نهادینه نشده است.

فعالیت اصلی سازمان‌ها فرایند شفاف ساختن و فهمیدن معنای اطلاعات دوپهلوی و مبهم است. افراد سازمانی این فرایند واضح ساختن و درک کردن را از طریق تصویب مقررات، گزینش، و ثبت و ضبط اطلاعات انجام می‌دهند. سازمان‌ها به میزانی که قادر به کاهش دوپهلویی و ابهام از این راه‌ها باشند، موفق هستند. با فرض این‌که انسان‌ها در فضایی از ارتباطات زندگی می‌کنند (محوریت ارتباطات در زندگی انسان‌ها) و خلق واقعیت اجتماعی به‌طور مشترک توسط آدم‌ها، و همچنین وابسته بودن تعامل اطلاعات به معانی فردی و بین‌فردی، این نظریه بیان می‌کند که مردم در مکالمات با رسیدن به میزانی از انسجام و هماهنگی (مدیریت مفاهیم) معانی را با همدیگر خلق می‌کنند (چلبی

و مبارکی، ۱۳۸۴، ۳۹). چنین مدیریت مفاهیمی در هر دو سازمان مشاهده نمی شود و هر یک از آن ها قوه قضائیه و نیروی انتظامی فضای ارتباطی و مفاهیم خاص خود را دارند. صرف نظر از نتایج و استنباط های آماری که با اطمینان ۹۹ درصدی وجود ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته چهار فرضیه ارائه شده را اثبات می کند، مشاهدات میدانی و نتایج بررسی ها حاکی از آن است که بحث پیشگیری از جرم در جامعه ما به صورت ساختاری و بنیادی با چالش های جدی روبرو است. زیرا با توجه به سطوح مختلف و ابعاد گوناگون پیشگیری در ابعاد مفهومی، ساختاری و اجرایی عملاً در تمامی سطوح موضوع پیشگیری از جرم به مقابله و مبارزه به مجرم تقلیل یافته است. برای اثبات این ادعا کافی است ساختار و سازمان نیروی انتظامی و قوه قضائیه را به طور اجمالی بررسی کنیم؛ مثلاً: ما در ساختار پلیس آگاهی فراجا با عناوین سازمانی چون پلیس مبارزه با قاچاق، معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی، معاونت مبارزه با جعل و کلاه برداری، معاونت مبارزه با جرائم جنایی و معاونت مبارزه با سرقت مواجه می شویم اما در عمل همه این ساختارها مأموریت مبارزه با رکن عاملیت جرم (مجرم، بزهکار یا متخلف) را به عهده دارند و برای مبارزه و پیشگیری از فعل جرم، بزه و تخلف هیچ راهبرد و برنامه منظم و منسجمی ندارند.

علاوه بر آن، هدف گذاری و برنامه ریزی در حوزه پیشگیری از جرم در بین یگان های مأموریتی و پلیس های تخصصی فراجا به صورت پیوستار تعریف نشده است و اقدامات انجام گرفته در مأموریت پیشگیری عمدتاً نه به صورت خطی و متصل بلکه به صورت نقطه ای و منفصل است. تقریباً همین وضعیت نیز در دستگاه قضایی حاکم است. نتیجه آن می شود که دو دستگاه مسئول در مأموریت پیشگیری از وقتی در سطح درون سازمانی بستر و الزامات مناسب برای اجرای این مأموریت مهم را فراهم نکرده اند، بدون شک در سطح تعاملی و بین سازمانی، ناکامی ها بسیار ملموس تر خواهد بود. علاوه بر آن، در سطح شناختی و فرهنگ سازمانی موانع جدی برای تحقق این مأموریت به چشم می خورد؛ که از مصادیق آن می توان به درک متفاوت و بعضاً مغایر مأموریت پیشگیری از جرم در منظر مدیران و کارکنان دو دستگاه و همچنین نداشتن سند

همکاری و برنامه مشترک بین دو دستگاه را اشاره کرد. نارسایی، خلأ، عدم شفافیت و عدم صراحت قانون را می‌توان به دیگر چالش‌هایی مطرح کرد که تحقق مأموریت پیشگیری از جرم را با ناکامی روبرو کرده است.

### پیشنهادها

ضرورت تهیه برنامه‌ای راهبردی برای ارتقای سطح تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرایند پیشگیری از جرم در آینده اجتناب‌ناپذیر بوده و لازم است هم از نظر تقنینی و هم از نظر سازمانی، اقدامات مؤثری برای تقویت این تعامل انجام پذیرد. لذا با توجه به یافته‌های تحقیق، باید ضمن آموزش مهارت‌های تعامل به مأموران پلیس، دامنه آموزش‌های مهارتی تعامل را به قوه قضائیه نیز سوق داد.

۱- همه موانع تعامل پلیس و دستگاه قضایی ناشی از نداشتن مهارت یا ناآشنایی طرفین با مهارت‌های تعامل نیست بلکه در برخی از موارد، موانع قانونی ناشی از قانون‌گذاری نادرست توانسته سطح تعامل بین دو نهاد را کاهش دهد؛ به‌عنوان مثال: در قوانین و مقررات جزایی ایران به‌خصوص آیین دادرسی کیفری، به‌جای تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی بر رابطه رئیس و مرئوس بین ضابطین دادگستری و مقام قضایی تکیه شده است. به دلیل وجود چنین نظام ریاستی در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران، موضوع تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی مورد توجه قرار نگرفته و به تبع آن، مدل یا الگوی مناسبی برای آن ارائه نشده است؛

۲- تسریع در تصویب لایحه تشکیل پلیس قضایی که سال‌هاست بلا تکلیف مانده در صورتی که همه مسئولین قضایی و بسیاری از خبرگان پلیسی، احیای آن را گام مهمی در راستای افزایش تعامل پلیس و دستگاه قضایی می‌دانند، می‌تواند کمک بزرگی به ارتقای تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرایند پیشگیری از جرم کند. زمانی که همه دست‌اندرکاران و اندیشمندان حوزه پلیس و دستگاه قضایی بر احیای پلیس قضایی به‌عنوان راهکاری برای ارتقای سطح تعامل پلیس و دستگاه قضایی و کاهش اطاله دادرسی تأکید دارند، نباید لایحه تشکیل پلیس قضایی به مدت دو دهه بلا تکلیف باقی بماند زیرا با تصویب و اجرای آن می‌توان به مرور

زمان ایرادات وارده به آن را نیز شناسایی و با قوانین بعدی درصدد اصلاح آنها برآمد؛

۳- تبیین مفهوم پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد مفاهمه زبانی در این خصوص؛  
 ۴- به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» از وظایف قوه قضائیه است. از آنجا که پیشگیری از جرم در دو مفهوم عام و خاص به کار می‌رود و درعین حال شامل شیوه‌ها و مصادیق متعدد می‌شود، فهم اینکه پیشگیری از جرم مذکور در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ناظر به کدام یک از تدابیر پیشگیری است، واجد اهمیت است. فهم درست و منطقی از این بند از قانون اساسی، پیش شرط اصلی در اجرای صحیح آن است. اختلافات درباره بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از زمان تدوین این اصل در مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح بوده است و در شورای بازنگری قانون اساسی نیز به صورت غیرمستقیم مورد بحث واقع شد؛ لذا با توجه به بند ۱ اصل سوم قانون اساسی، راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

الف) مشخص کردن گستره بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی؛

ب) قوانین مربوط به موضوع پیشگیری از جرم و نقش نهادی نیروی انتظامی و دستگاه قضایی اصلاح شود؛

ج) ساختارها و عناوین مأموریتی در دو دستگاه متناسب با الزامات و کاربست‌های پیشگیری از جرم اصلاح و سازماندهی مجدد شود؛

د) انتظارات از دو دستگاه در بحث پیشگیری از جرم مبتنی بر شاخص‌های سنجش و ارزیابی ابلاغ و مکانیسم لازم بر حسن اجرای آن پیش‌بینی شود.

### سپاسگزاری

بدین وسیله از همه مدیران و کارکنان معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه و پلیس پیشگیری نیروی انتظامی شهر تهران که در انجام این پژوهش همکاری کردند، کمال تشکر و تقدیر را داریم.

## منابع

- آقایی، اصغر؛ جاهدی، پدram؛ کرمی، حامد. (۱۳۹۹). برساخت اجتماعی رفتار مطلوب کارکنان نیروی انتظامی از نگاه دانشجویان. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۵(۱)، ۱۷۱-۱۸۸.  
[http://pmsq.jrl.police.ir/article\\_94208.html](http://pmsq.jrl.police.ir/article_94208.html)
- اخشابی، فرزاد. (۱۳۹۴). تعامل پلیس با مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع.  
<https://www.sid.ir/Fa/Seminar/ViewPaper.aspx?ID=60375>
- اصائلو، علی؛ پورغلامی، محمدرضا؛ زمانی، علی‌اکبر؛ محمدی، رضا. (۱۳۹۸). تأثیر تعامل برون‌سازمانی رؤسای کلانتری‌ها بر ارتقاء امنیت عمومی تفرجگاه‌های شهری کرمانشاه. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۴(۱)، ۷۶-۵۵.  
[http://pmsq.jrl.police.ir/article\\_20355.html](http://pmsq.jrl.police.ir/article_20355.html)
- چلبی، مسعود؛ و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۲)، ۴۴-۳.
- [http://www.jsi-isa.ir/article\\_25377.html](http://www.jsi-isa.ir/article_25377.html)
- حبیب‌زاده، اصحاب؛ و عبدالرحمانی، رضا. (۱۳۹۴). ارائه مدل تعاملی کارآمد نقش سازمان‌های غیرامنیتی در ایجاد بستر امنیتی در شهرهای ساحلی با تمرکز بر شهرستان بندرعباس. طرح تحقیقاتی: فراجا.
- دعاگویان داود؛ هندیانی، عبدالله؛ یاوری بافقی، امیرحسین؛ عبدی‌نژاد، صالح؛ عزیزی، سودابه. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرایند جرم‌یابی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۳(۲)، ۱۸۵-۲۰۸.
- [http://icra.jrl.police.ir/article\\_18855.html](http://icra.jrl.police.ir/article_18855.html)
- دیویس، ست. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظری. ترجمه محمدعلی طوسی، انتشارات آرام.
- زینالی، حمزه. (۱۳۸۱). پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲(۶)، ۷۶-۸۳.
- <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2232-fa.html>
- سهرابی اسمرود، یعقوب؛ و قربانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). پیشگیری امنیت‌گرا از وقوع جرم چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه تعالی حقوق، ۴(۳)، ۹۳.
- <https://www.magiran.com/paper/1061458>

- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی ایران. انتشارات قطره.
- شیرینی، عباس. (۱۳۸۷). نقد و بررسی «لایحه پیشگیری از جرم». اطلاع‌رسانی حقوقی، ۱۵(۶) و (۱۶)، ۲۴۵-۲۱۹.  
<http://ensani.ir/fa/article/291404>
- عبدالرحمانی، رضا؛ و کشتکار، رسول. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر تعامل برون‌سازمانی رؤسای کلانتری در پیشگیری از جرائم در شهر کرمانشاه. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۲(۹)، ۴۴۱-۴۱۴.  
[http://pmsq.jrl.police.ir/article\\_18264.html](http://pmsq.jrl.police.ir/article_18264.html)
- عبدالهی، اسماعیل؛ حسینی، فرزاد؛ مطهری‌زاده، یاسین. (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر در بزهکاری نوجوانان شهر کازرون و راه‌های پیشگیری از آن. فصلنامه تمدن حقوقی، ۱(۱)، ۱۳۰-۱۱۳.  
[http://www.pzhfars.ir/article\\_93604.html](http://www.pzhfars.ir/article_93604.html)
- عبدی‌نژاد، صالح. (۱۳۹۸). تعامل پلیس با دستگاه قضایی در فرایند جرم‌یابی و ارائه الگوی مناسب. [رساله مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌یابی، دانشگاه علوم انتظامی امین].
- علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۹۳). مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه سیاست‌های راهبردی. ۲(۸)، ۵۸-۳۷.  
[https://www.jmsp.ir/article\\_7769.html](https://www.jmsp.ir/article_7769.html)
- مسگرانی‌طریقه، محمد. (۱۳۹۷). سیاست‌های شهری مؤثر در پیشگیری از جرائم. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس].
- نعمتی، لیلا. (۱۳۹۳). پیشگیری از جرم کارآمد یا ناکارآمد. وبلاگ قاسم قدیانلو.  
<http://vekalat88.blogfa.com/post/1017>
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۳). اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم. دانشگاه شهید بهشتی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶)، ۹۱-۱۱۱.  
[https://jclr.atu.ac.ir/article\\_662.html](https://jclr.atu.ac.ir/article_662.html)
- وست، ریچارد؛ و ترنر، لین. اچ. (۱۳۹۳). درباره نظریه نقض انتظارات. ترجمه محمدحسن خطیبی بایگی، ماهنامه جهان‌گستر، ۱۱۸، ۸۰-۶۲.  
<https://www.magiran.com/paper/1304957>
- Bloomberg. H.J (2017). The structure of sociological theory. university of Riverside Thomson wadsworth
- Kushman, J. W. (1992). The Organizational Dynamics of Teacher Workplace Commitment: A Study of Urban Elementary and Middle Schools. Educational Administration Quarterly, 28(1), 5-42. <https://doi.org/10.1177/0013161X92028001002>

Steven Dietz, A. (1997). Evaluating community policing: quality police service and fear of crime. *Policing: An International Journal*, 20(1), 83-100.

<https://doi.org/10.1108/13639519710162024>

Woolcock, M. (1998). Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework. *Theory and Society*, 27, 151–208.

<https://doi.org/10.1023/A:1006884930135>

